

تجربه ترس و آرامش در يك سريال ماورايي

گزارشي از پشت صحنه سريال سقوط يك فرشته ...



گزارشي از پشت صحنه سريال سقوط يك فرشته

تجربه ترس و آرامش در يك سريال ماورايي

جام جم آنلاين: تهيه گزارش پشت صحنه از سريالي كه همه عواملش تلاش در پنهان نگه داشتن قصه‌اش دارند، كار آساني نيست. زماني كه به محل تصويربرداري سريال سقوط يك فرشته مي‌روم، اطلاعات زيادي درباره داستان آن ندارم. البته به دست‌اندركاران سريال حق مي‌دهم كه داستان را لو ندهند.

سريال‌هاي مناسبتي ماه رمضان بايد بتوانند در طول 30 شب مخاطبان‌شان را نگه دارند. اگر ببينده، اتفاقات داستان را بدانند تعليق سريال از بين مي‌رود و تعداد مخاطبان کاهش مي‌يابد. شبكه يك، امسال براي ساخت سريال‌ش سراغ بهرام بهراميان رفت كه كارنامه موفقي در سينما و تلويزيون دارد. شنيده‌ام كه بهراميان در اين سريال همان فضاي ترسناك فيلم آل را تکرار کرده و از جلوه‌هاي ويژه بخوبي بهره گرفته است.

اين سريال همچون صاحب‌دلان نيم نگاهی به نقش كتاب آسماني قرآن در زندگي مسلمانان دارد و ماجراهاي شخصيت هایش به گونه‌اي با اين كتاب پيوند مي‌خورد.

گفته شده كه در سقوط يك فرشته به بحث شيطان جني و شيطان انسي هم اشاره شده است.

منظور از شياطين انس، انسان‌هايي هستند كه مانند شياطين جن بر ضد خدا و دين او اقدام کرده، انسان‌ها را با انواع فریب‌ها از راه خدا دور مي‌سازند يا اعمال شيطاني انجام مي‌دهند. ولي شيطان انسي با انسان‌ها تماس دارد. ديده مي‌شود و صدايش با گوش شنيده مي‌شود.

همچنين در اين سريال از صدای راوي استفاده شده است. يعني بخش‌هايي از داستان را يك راوي (با صدای محمدرضا علي مرداني) مي‌شنويم.

رامين عباسي‌زاده، تهيه‌کننده اين سريال است. او پيش از اين، مجموعه‌هايي چون شمس‌العماره، پليس جوان، كت جادويي، پريدخت و او يك فرشته بود را تهيه کرده است.

در اين مجموعه بازيگراني چون مسعود رايجان، فريبا كوئري، داريوش كردان، شبنم مقدمي، علي سلیماني، مهرداد صديقيان، خاطره اسدي، هدي زين‌العابدين، سعیده عرب و... جلوي دوربین رفته‌اند.

محله اوين دركه در قاب تلويزيون

درختان سرسبز محله اوين دركه تحمل گرمای مرداد ماه را آسان‌تر کرده‌اند. در اولين روز ماه رمضان عوامل گروه سريال سقوط يك فرشته در اطراف امامزاده مطيب در گير و دار توليد آخرين قسمت‌هاي سريال هستند. خانه حاج حبيب (مسعود رايجان) در اطراف يك امامزاده واقع شده است. بنابراین بسياري از صحنه‌هاي سريال در اين محله ضبط مي‌شود. چند تا از شخصيت‌ها به امامزاده مربوط مي‌شوند. مثل داريوش كردان كه نقش روحاني را بازي مي‌كند و فرخ نعمتي كه معتمد محل است و...

در كوچه كناري امامزاده خانه‌اي واقع شده كه در آن تعدادي از عوامل مستقر شده‌اند. گروه چهره‌پردازي در زير زمين اين منزل مشغول گريم بازيگران هستند. مسعود رايجان و علي سلیماني روي صندلي گريم نشسته‌اند. گريم علي سلیماني وقت زيادي مي‌برد. او نقش يك آدم كم عقل را بازي مي‌كند و صورتش بسيار آشفته و به هم ريخته است. منصوره بسل، مسوول روابط عمومي سريال توضيح مي‌دهد كه اين كار بجز محله اوين دركه چند لوکیشن اصلي ديگر هم دارد. يكي حوضچه پرورش ماهي در جاجرو و ديگري گردنه قوچ. (واقع در لواسان)

يك نفر دم در امامزاده ايستاده و به خانم‌هايي كه جزو عوامل گروه هستند، چادر مي‌دهد تا با حجاب كامل وارد امامزاده شوند. هدي

زین‌العابدین هم چادر به سر کرده است. البته چادر او به نقشش یعنی فاطمه مربوط می‌شود که در تمام طول سریال او را با چادر مشکی می‌بینیم. دم در یک خودروی وانت با کلی بار پارک کرده است. ابتدا فکر می‌کنم که می‌خواهند سکانس مربوط به اسباب‌کشی را تصویربرداری کنند. اما یکی از عوامل توضیح می‌دهد که این وسایل (یخچال، کمد، فرش و...) باید به لوکیشن گروه اول منتقل بشود. برای رسیدن به محل کاشت دوربین از کنار کبوترهایی که در کف حیاط امامزاده قدم می‌زنند رد می‌شوم. فیلمنامه را که ورق می‌زنم، می‌بینم چند فصل مهم داستان باید در امامزاده تصویربرداری شود. در یک سکانس فاطمه یک شب را در امامزاده می‌خواهد. در سکانسی که امروز قرار است تصویربرداری شود، فاطمه به امامزاده آمده و دنبال حاج حبیب می‌گردد. برداشت را چند بار تکرار می‌کنند. در محله اوین درکه خبری از سر و صدای ماشین‌ها نیست و سکوتی محض حکمفرماست. این نکته باعث می‌شود که تعداد برداشتها کمتر بشود. بهرامیان به زین‌العابدین تکرار می‌کند که جمله آخرش را در حال حرکت بگوید. یعنی در حالی که دارد از یاور (علی سلیمانی) دور می‌شود و به سمت خارج امامزاده می‌رود.

فاطمه: سلام حاج حبیب رو ندیدی یاور؟

یاور: گم شده؟

فاطمه: همه جا رو گشتم. کسی ندیدتش؟

یاور (غصه می‌خورد): از اولش هم معلوم بود حاجی به روز گم می‌شه.

فاطمه: آگه حاجی اومد اینجا بگو فاطمه خیلی نگرانه.

اولین حضور جدی یک بازیگر

هدی زین‌العابدین در این سریال نقش فاطمه را بازی می‌کند. او پیش از این در چند سکانس کوتاه سریال آشپزباشی (محمدرضا هنرمند) و فیلم‌های خانه روشن (وحید موساییان) و چمدان (مانی حقیقی) بازی کرده است. خودش می‌گوید فاطمه اولین نقش بلند و حضور جدی‌اش در عرصه بازیگری محسوب می‌شود.

بهرام بهرامیان بازی او را در آشپزباشی دیده و پسندیده است. از همان جا بوده که زین‌العابدین برای بازی در سقوط یک فرشته دعوت شده است.

زین‌العابدین نقش فاطمه را این‌گونه تعریف می‌کند: دختری متدین است که با قرآن مانوس است. نمی‌تواند مال حرام بخورد. او در معرض امتحان الهی قرار می‌گیرد. پدر فاطمه فوت شده و او با مادرش تنها زندگی می‌کند. در سریال می‌شنویم که او در رشته کارشناسی ارشد مهندسی صنایع جابجود قبول شده. اما دانشگاه رفتنش را نمی‌بینیم.

زین‌العابدین خیلی اصرار دارد که داستان لو نرود. به او قول می‌دهم صحبت‌هایش را جورِ بنویسم که مشکلی پیش نیاید. این طور که پیداست ریحانه خانم (فریبا کوثری) و حاج حبیب با هم ازدواج کرده‌اند. فاطمه دختر ریحانه خانم است و سارا دختر حاج حبیب. فاطمه حاج حبیب را پدر صدا می‌زند. سارا و فاطمه خواهران ناتنی هستند. آن طور که از خلاصه داستان آمده در این سریال قرار است ماجرای زندگی این دو خواهر را شاهد باشیم. داستان سقوط یک فرشته درباره 2 خواهر است که یکی با قرآن مانوس است و خداوند هم درها را برایش باز می‌کند، حتی زمانی که شیطان تلاش می‌کند او را از راه اصلی منحرف کند... اما شخصیت دیگر کمی شیطنت دارد و کمتر به مفاهیم قرآن توجه می‌کند. او درگیر ماجراهایی می‌شود.

بازیگران بین دو لوکیشن در رفت و آمد هستند

حمید بهرامیان برادر بهرام بهرامیان است و کارگردانی گروه دوم تولید سریال سقوط یک فرشته را به عهده دارد. همان طور که در تیتراژ پایانی کار دیده‌اید عوامل این سریال به 2 گروه تقسیم شده‌اند و هر روز در دو لوکیشن مختلف مشغول به کار می‌شوند.

از بهرامیان می‌خواهم درباره شرایط دوگروهی کار کردن توضیح دهد. او می‌گوید: در این سریال شش بازیگر اصلی داریم. یک روزهایی تداخل بازیگر پیش می‌آید. یعنی همه بازیگرها در گروه اول مشغول کار هستند و کار گروه اول متوقف می‌شود. برخی بازیگران هم بین دو لوکیشن 2 گروه در رفت و آمد هستند. من فکر نمی‌کنم کار به این شکل تا به حال در ایران تجربه شده باشد. ما از همان اول دو گروه داشتیم.

نعمتی: نقش من يك مقدار خنثي است. من سعي مي‌کنم با كمك بهراميان نقش را از اين حالت در بياورم. اما نقش در متن خيلي حضور پر رنگي ندارد. هميشه وقتي کارگردان براي بار دوم يك بازيگر را دعوت مي‌کند، اين اتفاق براي بازيگر خوشايند است. چون احساس مي‌کند کارگردان از کار قبلي رضایت داشته است

اين طور که بهراميان مي‌گويد هماهنگي هر روز صبح قبل از آمدن به لوکيشن بين دو برادر اتفاق مي‌افتد. او ادامه مي‌دهد: بهرام بهراميان براي من حس و حال سکانس را توضيح مي‌دهد. مي‌گويد چه چيزهايي نبايد در اين سکانس اتفاق بيفتد. تا الان 18 قسمت فيلمنامه به دست ما رسیده است. 4 قسمت ديگرش را دارند بازنويسي مي‌کنند. پيش‌بيني مي‌کنم تا 20 ماه رمضان تصويربرداري داشته باشيم. اين سريال هفتم خرداد کليد خورد و تاکنون تصويربرداري 60 درصد آن انجام شده است. «#سپيده عبدالوهاب» تدوين سريال را به شکل همزمان انجام مي‌دهد.

شیطان سريال، کارهاي فرازميني نمي‌کند

بهراميان درباره جنبه‌هاي ماورايي سقوط يك فرشته تاکيد مي‌کند: من مضمون اين سريال را ماورايي نمي‌دانم. هميشه نماد خير و شر در سريال‌هاي ماه رمضان وجود داشته است. در سريال ما شيطان خيلي واقعي تصوير شده است. اما اين شيطان کارهاي فرا زميني نمي‌کند. اين کارگردان ادامه مي‌دهد: بعيد مي‌دانم اين سريال شعاري بشود. چون اتفاقاتش خيلي ملموس است. مسائل قصه ما براي خيلي‌ها اتفاق افتاده است. او با بيان اين که فيلمنامه را خيلي دوست داشته درباره نکات جذاب متن مي‌گويد: يکي از محورهاي داستان جوان‌ها هستند. رابطه بين جوان‌ها خيلي جذاب در آمده است. قهرمانان جوان داستان ما سارا (خاطره اسدي)، فاطمه (هدی زين‌العابدين) و نيم (مهرداد صديقيان) هستند. مسعود رايجان و فريبا کوثري قهرمانان بزرگسال ما هستند. در ضمن ما يك شيطاني داريم که يافتنش سخت است. شما نمي‌توانيد به آساني حدس بزنيد که کدام شخصيت شيطان است. اميدوارم مردم اين سريال را دوست داشته باشند و موقع تماشايش احساس نکنند وقتشان گرفته شده است.

قصه براساس قواعد ملودرام پيش مي‌رود

بابک کاييدان يکي از نويسندگان اين سريال است. او و ديگر همکارانش اين روزها بشدت درگير نوشتن و رساندن متن قسمت‌هاي انتهاي هستند. از اين نويسنده درباره مضمون سريال مي‌پرسم و اين که بالاخره ماورايي است يا خير. او پاسخ مي‌دهد: قصه ما يك ملودرام خانوادگي است که براساس قوانين رئاليستي خودش جلو مي‌رود. در يك بخشي از قصه که يك چهارم کار را شامل مي‌شود اتفاقات ماورايي را مي‌بينيم. اما ما سعي نمي‌کنيم يك کار فانتزي صرف را ارائه دهيم. يك بخش‌هايي از سريال ما ترسناک است. خود من زياد سريال را در در ژانر وحشت تعريف نمي‌کنم. قالب کار ما ملودرام است. يك جاهايي ممکن است فضاي سريال ترسناک هم بشود. اما قالب اصلي عوض نمي‌شود. قصه براساس قواعد ملودرام پيش مي‌رود و براساس همان قواعد به پايان مي‌رسد.

کاييدان خيلي تمايل ندارد درباره بخش‌هاي تقابل شيطان و انسان در سريالش توضيح بدهد. او چند بار تاکيد مي‌کند که ممکن است با اين توضيحات قصه سريال لو برود. اين فيلمنامه‌نويس توضيح مي‌دهد: در اين سريال تقابل خير و شر را مي‌بينيم. هميشه تنش بين نيروي خير و شر ديده مي‌شود.

از او مي‌پرسم يعني شيطان در قالب انسان ظاهر مي‌شود. مي‌گويد: به اين سوال نمي‌توانم جواب بدهم!

قصه ما جنوب شهري نيست

کاييدان در پاسخ به اين سوال که فيلمنامه چه جذابيت‌هايي دارد، تاکيد مي‌کند: ما سعي کرديم قصه را در يك خانواده روايت کنيم. ژانر ملودرام در تمام دنيا پربيننده ترين ژانر است. معمولا خود خانواده و تنش‌هاي خانوادگي سوژه جذابي است. قصه ما جنوب شهري نيست. خانواده حاج حبيب (مسعود رايجان) قشر عادي جامعه هستند. نه خيلي پولدارند و نه خيلي فقير. اما محله‌شان محله سنتي است.

در سريال سقوط يك فرشته يك نفر تازه وارد تنش‌هاي خانوادگي را بيشتري مي‌کند. از بين شخصيت جدي فيلمنامه ما دوسومشان جوان هستند. جوان‌ها بيشتري در معرض وسوسه‌ها و آسيب‌ها و خطرات هستند و از آن طرف بيشتري جمعيت جامعه ما هم جوان است.

او درباره ميزان پيش‌بيني‌پذير بودن داستان سريال مي‌گويد: در سريال‌هاي پليسي تلاش مي‌شود قصه قابل‌پيش‌بيني نباشد. اما اين سريال يك ملودرام است و ما قصدمان اين نبود که قصه پليسي داشته باشيم. روند رسيدن به اتفاقات داستان قابل حدس نيست. اما بيننده مي‌تواند کليت کار را حدس بزند. کارهاي مناسبتي ماه رمضان قواعد خاصي دارد و بيننده بنا به عادت مي‌داند پايان قصه چطور تمام مي‌شود.

کاییدن ادامه می‌دهد: یک قهرمان در قصه وجود دارد. اما سعی نکردیم در یک ساختار هر می قهرمان را در راس نگه داریم. قصه ما درباره یک خانواده است. جوان‌ها قهرمان‌های قصه ما هستند. اما تمام قصه همه اعضای خانواده جذاب است.

از قرآن باز، برای مردم حرف زدیم

در اخبار حاشیه‌ای سریال شنیده‌ام که این سریال همچون صاحب‌دلان می‌خواهد نقش راهگشای قرآن در زندگی انسان‌ها را نشان بدهد. از کاییدن می‌خواهم در این رابطه بیشتر توضیح بدهد. او بیان می‌کند: ما قصه را از خود قرآن آغاز کرده‌ایم. سعی کردیم از قرآن باز، برای مردم حرف بزنیم. زمانی ما می‌توانیم از قرآن درس بیاموزیم که آن را باز کنیم و بخوانیم و مفاهیمش را درک کنیم. نباید فقط از اسم قرآن کمک بگیریم. قرآن باز می‌تواند راهگشا و آرامش دهنده باشد. مشکلات ما به خاطر این است که قرآن را بسته‌ایم و روی تاقچه گذاشته‌ایم. فضاهای معنوی لابه‌لای قصه گنجانده شده است. اولویت ما در درجه اول این بود که یک قصه دراماتیک روایت کنیم. اما پایه و اساسمان مفاهیم معنوی بود. می‌خواستیم آموزه‌های معنوی را به بیننده گوشزد کنیم. در این قصه قرآن را پایه قرار داده‌ایم. نه به این معنا که قصه‌ای را از قرآن اقتباس کرده باشیم. می‌خواهیم نشان دهیم زمانی که از قرآن فاصله بگیریم نیروهای شر به ما نزدیک می‌شوند. یا زمانی که خدای نکرده به جسمیت قرآن توجه کنیم نه به معنویت آن.

امیدوارم با این عجله دچار اشتباه نشویم

فرخ نعمتی در این سریال نقش یکی از معتمدین محل را بازی می‌کند. او پیراهن و شلواری یکپارچه سفید به تن کرده و منتظر است که روی صندلی چهره پرداز بنشیند. در فرصتی که دست داده پای صحبتش می‌نشینم و از او می‌خواهم درباره نقشش توضیح بدهد. او می‌گوید: من در بیشتر قسمت‌ها حضور دارم. اما نقشم در ماجراهای داستان خیلی تاثیر گذار نیست. این شخصیت خودش بیشتر دنبال ماجرا می‌رود. نقش من یک مقدار خنثی است. من سعی می‌کنم با کمک بهرامیان نقش را از این حالت در بیاورم. اما نقش در متن خیلی حضور پر رنگی ندارد. البته هنوز آخر فیلمنامه را نخوانده‌ام. آخر فیلمنامه به صورت خلاصه داستان آماده شده است.

این بازیگر ادامه می‌دهد: زمانی که من به گروه پیوستم، نیمی از فیلمنامه آماده بود. الان قسمت‌های قبل از شب‌های احیا را دارند تصویربرداری می‌کنند. فصل‌هایی باقی مانده که من هنوز متنش را ندیده‌ام.

این بازیگر درباره شغل آقای ملک می‌گوید: چیزی که از او می‌بینیم، این است که در دفتر امام جماعت کار می‌کند. یک صندوق قرض‌الحسنه دارد و کار مردم را راه می‌اندازد. معمولا در سریال‌های ایرانی شغل و حرفه خیلی روی شخصیت بازیگر تاثیر نمی‌گذارد. من در یک سریال دیگر نقش مهندس چاه نفت را بازی می‌کنم. اما فضای خانه اش شبیه همین معتمد محل است.

نعمتی بیشتر در فیلم سبب من ساخته بهرام بهرامیان بازی کرده است. او در این باره توضیح می‌دهد: همیشه وقتی کارگردان برای بار دوم یک بازیگر را دعوت می‌کند این اتفاق برای بازیگر خوشایند است. چون احساس می‌کند کارگردان از کار قبلی رضایت داشته است. من و بهرامیان از قدیم با هم دوست بوده‌ایم. در کارهای این کارگردان همیشه تجربه‌های نوپی بوده است. بهرام بهرامیان کارگردان موفقی است. اما در اینجا مجبور است روش کارش را عوض کند. او دوست دارد هر سکانس را با دکوپاژ کامل و سر حوصله کار کند. اما الان باید خیلی سریع کار کند.

نعمتی در پایان صحبت‌هایش از شتابی که در تولید کارهای مناسبی وجود دارد گلایه می‌کند و می‌گوید: در این جور سریال‌ها شتاب‌زدگی زیادی وجود دارد. امیدوارم با این عجله و شتاب دچار اشتباه نشویم. سریال‌های ماه رمضان به خاطر نحوه پخششان مناسبی نام گرفته‌اند. اما مشخصاتشان با بقیه کارهای تلویزیون فرقی ندارد. باید از مدیران تلویزیون پرسید که چرا برای یک سریال 4 سال وقت می‌گذارند، اما سریال 30 قسمتی را می‌خواهند در چند ماه به پایان برسانند. چرا باید تا آخرین روز ماه رمضان تصویربرداری ادامه داشته باشد؟ من پارسال هم در سریال شبکه یک ماه رمضان (در مسیر زاینده رود) حضور داشتم. آنجا هم همین اتفاق افتاد. دلیل این تاخیر برای همه روشن است. تاخیر به این خاطر است که تولید را دیر شروع می‌کنند.

دیگر عواملی که بهرامیان را در این سریال یاری می‌کنند، عبارت‌اند از: تهیه‌کننده: رامین عباسی‌زاده، طراحی داستان: رامین عباسی‌زاده، زامیاد سعدوندیان، نویسندگان: زامیاد سعدوندیان، بابک کاییدن، روح‌الله صدیقی، تصویربرداران: افشین احمدی، آرش خلاق‌دوست، صدابرداران: بهمن حیدری، فرشید کیوان‌مهر، طراح گریم: مسعود ولدبیگی، طراح صحنه: رضا حاج‌درویش، طراح لباس: ژاله زکی‌زاده، دستیارتهیه: سحر مصیبي، برنامه‌ریز: فرزاد رحمانی، آهنگساز: امیر توسلی، مدیرتولید: حسن مصطفوی، تدوین: سپیده عبدالوهاب، صداگذار: ایرج شهزادی، جلوه‌های ویژه رایانه‌ای: داریوش حافظ‌الکتاب، جلوه‌های ویژه میدانی: رضا ترکمان، عکاس: امید صالحی، مدیر تدارکات: حیدر زرقومی، روابط عمومی: منصوره بسمل.

